

Thematic Analysis of Women's Veiling (Hijab) in Tudeh Party Publications: A Case Study of Bidari Ma Magazine

seyyedeh Zahra mousavi^{1*}, Valiollah Barzegar Klishomi, Fatemeh Ahmadvand, Nayere Dalir

1. PhD student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
2. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
3. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
4. Associate Professor, Department of History, Institute for Humanities and Cultural studies, Tehran, Iran.

Received: 2025/10/10 Received in revised form: 2026/01/02 Accepted: 2026/03/09 Published: 2026/03/21

Abstract

Women's veil (hijab) as a social, cultural and religious concept has always been a subject of controversy. The Tudeh Party, as a Marxist party, had its own views on women's veil (hijab) that were in conflict with religious teachings and indigenous norms of Iranian society. The main issue in this article is the analysis of the Tudeh Party's view on women's veil (hijab), which has been attempted to identify and explain the most important components of this view using the method of "theme analysis" based on data extracted from the magazine "Bidaari Ma". The findings of this study show that this magazine has produced four main themes on the subject of hijab: 1) The veil hinders women's individual and social growth; 2) The veil is a symbol of oppression, ignorance and social restriction and deviation; 3) The roots of the hijab; 4) The elimination of the common hijab. Based on these themes, the Tudeh Party was against the hijab and supported the uncovering of the hijab as a right for women, although it did not agree with the way it was implemented by Reza Shah. These positions reflect the party's unrealistic perspective and its distance from the religious and cultural beliefs of the majority of Iranian society during the years the publication was published (1944 to 1948).

Keywords: History of women, thematic analysis of women's veiling, Tudeh Party, Bīdārī-e Mā magazine.

Cite as: Thematic Analysis of Women's Veiling (Hijab) in Tudeh Party Publications: A Case Study of Bidari Ma Magazine. Iranian History of Culture. 2026; 3(1): 113-132.

Owner and Publisher: University of Tabriz
Journal ISSN (online):3060-8066
Access Type: Open Access
DOI: 10.22034/ihc.2026.69598.1107

*Corresponding Author: PhD student, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

تحلیل مضمون پوشش زنان (حجاب) در نشریات حزب توده

مطالعه موردی: نشریه بیداری ما

سیده زهرا موسوی^{۱*}، ولی الله برزگر کلیشیمی^۲، فاطمه احمدوند^۳. نیره دلیر

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
۲. استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
۳. استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
۴. دانشیار تاریخ ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸ | بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ | پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۸ | انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

پوشش زنان (حجاب) به‌عنوان یکی از مفاهیم اجتماعی و فرهنگی و مذهبی همواره موضوع مناقشه بوده است. حزب توده به‌عنوان یک حزب مارکسیستی، دیدگاه‌های خاص خود را در رابطه با پوشش زنان (حجاب) داشت که در تقابل با آموزه‌های مذهبی و هنجارهای بومی جامعه ایران بود. مسئله اصلی در مقاله حاضر تحلیل دیدگاه حزب توده درباره پوشش زنان (حجاب) است که تلاش شده با استفاده از روش «تحلیل مضمون» مهم‌ترین مؤلفه‌های این دیدگاه بر پایه داده‌های مستخرج از نشریه «بیداری ما» شناسایی و تبیین گردد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این نشریه چهار مضمون اصلی در موضوع حجاب تولید کرده است: (۱) چادر مانع رشد فردی و اجتماعی زنان؛ (۲) چادر نماد سرکوب، ناآگاهی و محدودیت اجتماعی و انحراف؛ (۳) ریشه‌های حجاب؛ (۴) حذف حجاب رایج. بر اساس این مضامین، حزب توده مخالف حجاب و حامی کشف حجاب به‌عنوان حقی برای زنان بود، هرچند با شیوه اجرای آن توسط رضاشاه موافق نبود. این مواضع نشان‌دهنده دیدگاه غیرواقع‌بینانه حزب و فاصله آن با باورهای دینی و فرهنگی اکثریت جامعه ایران در سال‌های انتشار نشریه (۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷) است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ زنان، تحلیل مضمون پوشش زنان، حزب توده، نشریه بیداری ما.

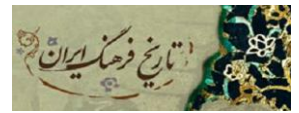
نحوه ارجاع: " تحلیل مضمون پوشش زنان (حجاب) در نشریات حزب توده مطالعه موردی: نشریه بیداری ما ". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۵: ۱۱۳-۱۳۲.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۳۰۶۰-۸۰۶۶

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/ihc.2026.69598.1107



پوشش (حجاب) زنان از مباحث مهم و پیچیده در تاریخ اجتماعی و فرهنگی معاصر ایران به شمار می رود که از نخستین مواجهه ایرانیان با مظاهر مدرنیته در اواخر دوره قاجار تا به امروز همواره توجه جریان های سیاسی و اجتماعی را به خود معطوف کرده است. تحولات سیاسی و فرهنگی اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم، به ویژه نهضت مشروطه، به شکل گیری نگرش ها و گفتمان های متنوعی درباره حجاب و ریشه های آن منجر شد. به تدریج این موضوع به یکی از مسائل کلیدی در بحث های مربوط به حقوق زنان و برابری جنسیتی تبدیل شد و بستر جدل و مناظره میان افکار عمومی و جریان های سیاسی مختلف درباره حجاب و وضعیت زنان را فراهم آورد.

با اشغال ایران و سقوط پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰ با ایجاد فضای باز سیاسی فرصت مناسبی برای فعالیت دوباره احزاب، گروه ها و مطبوعات فراهم شد. حزب توده در مهر ۱۳۲۰ تاسیس شد و پس از دو سال، «تشکیلات زنان حزب توده» را پایه گذاری کرد. «تشکیلات زنان حزب توده» به عنوان بزرگ ترین سازمان غیردولتی زنان، بخش مهمی از فعالیت های سیاسی زنان را در دهه ۱۳۲۰ به خود اختصاص داد. این تشکیلات در فاصله سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ نشریه ای با عنوان «بیداری ما» را با شعار «ما هم در این خانه حقی داریم» منتشر کرد. این نشریه، در مجموع، اهداف «تشکیلات زنان» را در مطالب خود دنبال می کرد و اغلب نظریات حزب توده را به خورد مردم می داد و گاه خود را اصلاح طلب نشان می داد. یکی از ویژگی های مهم نشریه، توجه مستمر به مسئله حجاب و شیوه پوشش زنان است. این نشریه به دلیل انتشار منظم در یک دوره تاریخی مهم و در بازه زمانی نسبتاً طولانی، و همچنین در دسترس بودن کامل شماره های آن طی چهار سال، به عنوان یکی از منابع معتبر مطبوعاتی حزب توده، امکان تحلیل نظام مند دیدگاه ها و مواضع حزب در خصوص مسائل زنان، به ویژه موضوع پوشش و حجاب، را فراهم می آورد.

مسئله اصلی در مقاله حاضر، تحلیل دیدگاه حزب توده درباره پوشش زنان (حجاب) است که تلاش شده با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، مهم ترین مؤلفه های این دیدگاه بر پایه داده های مستخرج از نشریه «بیداری ما» شناسایی و تحلیل گردد. به نظر می رسد در حالی که بخش بزرگی از جامعه ایران در دهه های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ همچنان پایبند به سنت های دینی و فرهنگی خود بودند، حزب توده با الهام از ایدئولوژی های کمونیستی، تفسیری کاملاً متفاوت و درعین حال رادیکال از موضوع حجاب ارائه کرده است. این نگاه که از بستر اجتماعی و مذهبی ایران فاصله داشت، حجاب را نماد عقب ماندگی، سرکوب و جهل معرفی می کرد و کشف حجاب را لازمه ورود زنان به جامعه مدرن می دانست.

پیشینه و روش تحقیق

با بررسی های به عمل آمده مشخص شد که پژوهش مستقلی با این عنوان صورت نگرفته است. با این حال مطالعاتی وجود دارند که می توانند برای این بحث مفید واقع شوند؛ فاطمه بزن بیرانوند (۱۳۸۹)، در فصل چهارم پایان نامه «زنان و جنبش چپ در ایران، از انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش»، مطلبی با عنوان کشف حجاب در نگاه و رویکرد چپ نوشته است که بیشتر به مسئله کشف حجاب و واکنش زنان و اعضای حزب توده به این پدیده می پردازد. فاطمه شکیب و حسن زندیه (۱۴۰۰)، در مقاله «سیر تحول اندیشه معترضان به حجاب از عصر ناصری تا پهلوی دوم (۱۲۲۷-۱۳۲۰)»، به

بررسی اندیشه معترضان به حجاب می‌پردازند؛ ولی در مورد حزب توده مطلبی بیان نکرده‌اند. زهره سیف (۱۳۹۵)، در پایان نامه «تحلیل مساله حجاب از سال ۱۳۰۴-۱۳۶۰ (دوره پهلوی تا تثبیت جمهوری اسلامی)»، به موضوع حجاب پرداخته است؛ ولی در مورد دیدگاه حزب توده در این مورد، مطلبی بیان نمی‌کند.

همانطور که اشاره شد، در پژوهش حاضر از روش «تحلیل مضمون» استفاده می‌شود. این روش صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. تحلیل مضمون، روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً غیرمرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند یک شخص، یک تعامل، یک گروه، موقعیت، سازمان و یا یک فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, 1998:4).

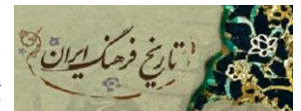
شناسایی مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در این روش است. مضمون یا تم؛ بیانگر چیز مهمی در داده‌ها در رابطه با سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. یک مضمون لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که تا چه میزان به نکته مهمی در رابطه با سؤالات تحقیق می‌پردازد (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

محققان در تحلیل مضمون از ۴ روش بهره برده‌اند. که روش شبکه مضامین یکی از آن‌هاست. شبکه مضامین، براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگرفته اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۷۲).

بحث (متن مقاله)

نگاهی به حجاب و کشف حجاب در ایران

نوسازی به فرایند تغییرات اجتماعی و بنیادین در عرصه سیاسی و فرهنگی گفته می‌شود که در کشورهای غربی اتفاق افتاد، کشورهای غربی از جامعه سنتی به جامعه مدرن و عصر مدرنیته گذر کردند. این در حالی است که نوسازی در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته محدود به جنبه اجرایی و در سطح لوازم و عناصر و مواد نوسازی رخ نمود. در این نوع نوسازی تنها تغییرات اجتماعی اتفاق افتاده و تغییرات بنیادین و اساسی رخ نخواهد داد و علاوه بر آن این نوع از تغییرات ریشه دار نبوده و ماندگار نیست (قاسمی، ۱۴۰۴: ۱۳۳). موضوع پوشش زنان و گذار از حجاب سنتی، هم‌زمان با گسترش تجدد و نوگرایی در ایران، به‌عنوان یک مسئله ظاهر شد و در ادوار پس از مشروطه، به‌ویژه در دوره پهلوی، به طور جدی‌تر مطرح گردید. این نو شدن که عنوان تجدد را به خود گرفته بود، چیزی جز به رنگ قوم غالب درآمدن، یعنی غرب، نبود. طبعاً تجددی که از غرب برآمده بود، تمامی لوازم و تبعات خود را به همراه داشت. این مباحث، هم‌زمان با طرح مسئله زن و برابری آن با مرد و طرح حضور بیشتر زن در عرصه اجتماع آغاز شد و حجاب به‌عنوان مانعی بر سر راه این امر مورد انتقاد قرار گرفت (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۸).



مقاله پژوهشی



به عبارتی موضوع کشف حجاب بانوان جزئی از مجموعه خواسته‌هایی بود که بعد از مشروطه و در قالب «آزادی زنان» از سوی متجددین و روشنفکران مطرح می‌شد. میرزا آقاخان کرمانی و میرزا فتحعلی آخوندزاده، دو تن از اندیشمندان این دوره بودند که نگرش‌های نوینی در رابطه با مسائل زنان داشتند. کرمانی که از ۱۰۰ خطابه خود ۴ خطابه را به زنان اختصاص داده است، آزادی زنان و حضور آنها در اجتماع را منوط به برداشتن حجاب دانسته است و علت عقب ماندگی زنان ایران را در پرده نشینی و خانه نشینی آنها می‌داند (آدمیت، ۱۳۴۶: ۱۹۴-۱۹۵). آخوند زاده نیز که بیشتر عمر خود را در روسیه گذرانده و متأثر از فرهنگ و تمدن غرب بود، قانون حجاب را سرچشمه مفساد مدنی گوناگون دانسته است و عدم تربیت و آگاهی زنان و سلب حقوق انسانی و آزادی ایشان را از نتایج و آثار حجاب می‌داند (آدمیت، ۱۳۴۹: ۲۵۵). آنها برای حل مشکلات فرهنگی ایران، راه حل اقتباس از کشورهای اروپایی را ارائه می‌دادند. بنابراین تبلیغات بسیار زیادی در مطبوعات و اجتماعات در این جهت وجود داشت. اما با آغاز سلطنت رضا شاه این تبلیغات فزونی یافت و چون توسط دولت حمایت می‌شد، به تدریج از صراحت بیشتری برخوردار شد (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۱۸۰-۱۸۱). به اعتقاد برخی پژوهشگران، کشف حجاب نه دستوری یک باره و نه رویه‌ای متأثر از آتاتورک، بلکه جریانی بود که خواست بخشی از تجدد خواهان محسوب می‌شد؛ اما توسط رضا شاه در جهت خاصی مدیریت و اعمال شد (جوادی یگانه، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

واکنش زنان جامعه در برابر سیاست کشف حجاب اجباری رضاشاه چندگونه بود: دیدگاه زنان تحصیل کرده، که عمدتاً متعلق به طبقات متوسط و بالای جامعه بودند، در این مورد مثبت بود. آنها معتقد به وجود رابطه بین کشف حجاب و پیشرفت زنان بودند. تصور بر این بود با کشف حجاب، ایران همچون کشورهای اروپایی خواهد شد، و زنان به حقوق واقعی خویش دست خواهند یافت. به همین دلیل بسیاری از نخبگان و فعالان حقوق زنان، مایل به اعمال تغییراتی در وضع زنان بودند. زنان متعلق به طبقه متوسط به بالا از قانون کشف حجاب رضاشاه استفاده بردند و از تحصیلات و فرصت‌های شغلی بهره‌مند شدند (صلاح، ۱۳۸۴: ۱۸۰-۱۸۱).

زنان قشر سنتی جامعه که بیشترین قشر جامعه را تشکیل می‌دادند و به‌ویژه زنان طبقه متوسط به پایین و زنان شهرها که در اجتماع حضور داشتند و پوشش آنها در چادر خلاصه می‌شد، با اجرای این قانون، آزادی خود را ازدست داده و از این رهگذر متحمل آسیب‌های فراوان شدند. بسیاری از آنان که تا قبل از این قانون شاغل بودند، یا شغل خود را از دست دادند و یا ناچار شدند پوشش جدید را به‌اجبار بپذیرند. امکان تعلیم و تربیت از بسیاری از دختران گرفته شد و حضور بعضی از زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی کم‌رنگ گردید (صلاح، ۱۳۸۴: ۱۹۴-۱۹۶). بسیاری از بانوان تا آخر سلطنت رضاشاه از خانه خارج نمی‌شدند، تا بدان حد که حتی برای رفع نیازهای اولیه‌ای مانند استحمام، در بسیاری از خانه‌ها حمام ساخته شد تا زن‌ها برای استحمام مجبور به خروج از منزل نشوند (استاد ملک، ۱۳۶۷: ۱۴۱-۱۴۲).

پس از اینکه رضاشاه در ۱۳۲۰ کشور را ترک کرد، مخالفان سیاست‌های وی، از جمله علمای با نفوذی چون آیت الله کاشانی اعتراض خود را مطرح کردند. دولت علی سهیلی در ۱۲ شهریور ۱۳۲۲ حجاب اجباری را به انتخاب شخصی افراد تغییر داد و حجاب رسماً یک انتخاب شخصی اعلام شد (کرونین، ۱۳۸۲: ۳۰۶). پس از لغو قانون، بسیاری از زنان مسلمان به حجاب روی آوردند. اما برخلاف دوره پیش از کشف حجاب که زنان چادر و روبنده مشکی می‌پوشیدند، استفاده از چادر رنگی

بیشتر متداول شد. زنانی که طعم آزادی به سبک غربی را چشیده بودند دیگر حاضر به بازگشت به فرهنگ حجاب نبودند (رمضانی، ۱۳۸۶: ۲۵۴).

سیاست پهلوی دوم در خصوص حجاب بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت و این سیاست از طریق رسانه‌ها، روزنامه‌ها و مجلات تقویت می‌شد و حکومت از این مجاری در پی تثبیت اصول موردقبول خود در خصوص حجاب بود. این سیاست تا اواخر حکومت پهلوی ادامه داشت. تا اینکه دولت در ۱۳۵۵ طرحی را در راستای حجاب زدایی تدوین کرد و بلافاصله بخشنامه آن را برای اجرا به ادارات مربوط ارسال نمود (رمضانی، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

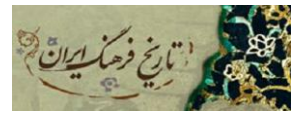
حزب توده و زنان

با به قدرت رسیدن بلشویک‌ها در روسیه، مواضع مارکس و لنین در مورد حقوق زنان و انبوه وعده‌های بلشویک‌ها در این خصوص، مورد توجه برخی زنان در ایران قرار گرفت (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۶۷). در ایدئولوژی مارکسیسم به برابری زنان و مردان در راستای دفاع از عدالت اجتماعی اشاره شده است. انگلس در کتاب «منشأ خانواده و مالکیت خصوصی» اشاره می‌کند به این که در پی تحول عقاید دینی و اهمیت موضوع ارث، تعیین پدر فرزندان اهمیت بیشتری یافت و نظام تک‌همسری برقرار شد. پس از آن بود که مادرسالاری جای خود را به پدرسالاری داد. به گفته انگلس، در این نظام «به علت سرکوب اقتصادی زنان» زن به «خدمتکار خانگی» بدل و از شرکت در چرخه تولید بیرون رانده شد (انگلس، بی تا: ۳۹). مرد در مقام نان‌آور خانواده جایگاهی برتر پیدا کرد. انگلس مرد را بورژوازی خانواده و زن را پرولتاریای خانواده به شمار آورده است (زتکین، ۱۳۸۱: ۲۱). او جایگاه فرودست زنان را ناشی از ساختار مالکیت خصوصی می‌داند.

مارکسیسم جایگاه زنان را در نظام اقتصادی تحلیل می‌کند و بیشتر به رابطه آنها با تولید توجه دارد. کمونیست‌ها عقیده داشتند با پیروزی پرولتاریا و برقراری جامعه آرمانی کمونیستی و محو نظام سرمایه‌داری، مشکلات نابرابری زنان با مردان خودبه‌خود حل خواهد شد.

با تأسیس حزب توده در مهر ۱۳۲۰ که مروج اندیشه‌های مارکسیستی در ایران بودند، توجه به موضوع زنان نیز مطابق با مکتب مارکسیسم در دستور کار حزب قرار گرفت. پس از گذشت دو سال از تأسیس حزب، «تشکیلات زنان حزب» پایه گذاری شد. علت تاخیر دو ساله این تشکیلات مخالفت‌های سلیمان میرزای اسکندری، رهبر حزب توده، با عضویت زنان در حزب بود. اما پس از مرگ او عضویت رسمی زنان در حزب توده آغاز شد و تشکیلات زنان شکل گرفت. آرداشس (اردشیر) آوانسیان، از اعضای حزب کمونیست ایران و از موسسان حزب توده، به رغم آنکه اسکندری را فردی سنتی معرفی می‌کند اما مدعی است علت این موضع اسکندری، فضای فرهنگی ایران و مخالفت روحانیان بوده است (آوانسیان، ۱۳۷۶: ۲۰۵).

در کنگره اول حزب توده (۱۳۲۳) پنج نفر از زنان عضو تشکیلات (مریم فیروز، مریم صابری، زهرا بیات، زهرا اسکندری و عالیه شرمی) حضور داشتند. در این کنگره حزب برای مقابله با فاشیسم، خواستار اتحاد همه مردم اعم از کارگران، زنان و جوانان شد. در این کنفرانس وعده حقوق سیاسی، حقوق برابر برای کار برابر و کمک‌های بهیستی به زنان داده شد (Paidar, 1995: 121). در بند ششم برنامه کنگره اول حزب توده، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجلس مقننه و انجمن‌های ایالتی به عنوان یکی از خواسته‌های مهم زنان عنوان شد. در برنامه کنگره اول چنین آمده بود:



مقاله پژوهشی



۱- کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) در مجلس مقننه و انجمن‌های ایالتی و بلدی،

۲- بهبود اوضاع مادی و تامین استقلال زنان،

۳- تاسیس و افزایش موسسات حمایت مادران و کودکان بی بضاعت،

۴- تساوی حقوق زوجین و تجدید نظر در قوانین زناشویی (خراسانی و اردلان، ۱۳۸۲: ۳۸۷).

گرچه ظاهراً زنان طبقه کارگر هدف تبلیغات حزب توده بود، ولی این حزب درصدد جذب زنان همه طبقات بود. اعضای تشکیلات زنان در جراید و سخنرانی‌های خود، علیه حقوق اندک زنان، عدم پرداخت حقوق در زمان مرخصی زایمان و تسهیلات رفاهی برای کارگران مادر سخن می‌راندند و استقلال اقتصادی زنان، از مهم‌ترین کلیدواژه‌های آنان بود. اهداف اعلامی تشکیلات زنان حزب توده عبارت بود از:

۱. تلاش برای دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی زنان از طریق کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها، ۲. توسعه فرهنگی و مبارزه با بی سوادی؛ ۳. بسیج زنان، ۴. مبارزه با فحشا و انحطاط اخلاقی، ۵. مبارزه با استثمار زنان و دختران جوان در کارخانه‌ها (تعیین ساعت کار برای زنان کارگر، حق دریافت حقوق تعطیلات در تعطیلات آخر هفته و تعطیلات عمومی و سالانه، برابری حقوق برای مردان و زنان کارگر)، ۶. ممنوعیت کار برای کودکان زیر چهارده سال، ۷. مرخصی با حقوق حداقل دو ماه برای زنان کارگر و خدمتکار، ۸. مهدکودک رایگان برای کودکان زنان کارگر و خدمتکار، ۹. ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای دختران جوان از خانواده‌های فقیر، ۱۰. تاسیس باشگاه‌ها، مراکز مطالعه و کتابخانه‌های زنان و ۱۱. تاسیس روزنامه‌ها و مجلات زنان (Paidar, 1995: 121).

تشکیلات زنان بعد از روشن شدن برنامه‌هایش درصدد تهیه امتیاز یک نشریه برآمد. گرفتن امتیاز از وزارت فرهنگ مستلزم داشتن تحصیلات لیسانس و هم چنین پشتوانه مالی قوی بود. ظاهراً زهرا اسکندری با داشتن لیسانس ادبیات تنها زنی بود که موفق به گرفتن امتیاز ماهنامه «بیداری ما» شد. مجله در مجموع، اهداف تشکیلات زنان را در مطالب خود دنبال می‌کرد و اغلب نظریات حزب توده را به خورد مردم می‌داد و گاه خود را اصلاح‌طلب نشان می‌داد (بیران، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

مطالب این نشریه با صراحت، اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی ایران؛ چه در حوزه عملکردهای حکومتی و فساد دستگاه‌های اداری و چه در حوزه عملکردهای حکومت در جهت سیاست‌های نامناسب در مورد زنان را به تصویر می‌کشید. مقاله‌های این مجله در موضوع‌های ادبی، علمی، اجتماعی و سیاسی بود. «بیداری ما» به‌شدت از شاهان پهلوی انتقاد می‌کرد و قوانین تصویب شده در دوره رضاشاه، به‌ویژه قانون مدنی و کیفری را به‌عنوان ظلم به زنان رد می‌کرد (Paidar, 1995: 124). این نشریه افزون بر تأکید بر آموزش زنان، به‌عنوان یکی از ملزومات ضروری بیداری زنان، در جهت پیشرفت و ترقی آنان (بیداری ما، مهر ۱۳۲۴: ۴) بر زمینه‌های دیگری از حقوق زنان مانند اشتغال، تساوی حقوق زن و مرد، دادن حق طلاق به زن (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۳: ۱-۷) و استقلال مالی (بیداری ما، آبان ۱۳۲۳: ۱) آنان اشاره داشت.

نشریه بیداری ما با شعار «ما هم در این خانه حقی داریم» با سردبیری زهرا اسکندری بین سال‌های «تیرماه ۱۳۲۳» تا «آذر ۱۳۲۷» در ۲۸ شماره، به صورت ماهنامه در تهران منتشر شد. این نشریه به دنبال غیر قانونی شدن حزب توده در

«بهمن ۱۳۲۷» به فعالیت خود پایان داد. از جمله نکات قابل توجه در این نشریه، پرداختن به موضوع حجاب و چگونگی پوشش زنان است. موضوع حجاب زنان در اشعار نمود بیشتری دارد. در بازه زمانی که نشریه «بیداری ما» به این مسئله پرداخته است، بی توجهی سایر نشریات حزب، قابل تأمل است. این رویکرد اهمیت این نشریه را به عنوان منبعی معتبر برای پژوهش در این حوزه برجسته می سازد (محمدی، ۱۳۹۹: ۴۵۲-۴۵۴).

مضامین استخراج شده از نشریه بیداری ما

یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون محتوای نشریه «بیداری ما» نشان می‌دهد که مسئله پوشش زنان (حجاب) در پیوند با مفاهیم کلان‌تری همچون تجدد، آگاهی اجتماعی، مناسبات سنت و مدرنیته و نقش زن در جامعه نوین مطرح شده است. بررسی داده‌ها حاکی از آن است که موضوع حجاب اغلب به صورت ضمنی، پراکنده و در قالب بازنمایی‌های ادبی، انتقادی یا اجتماعی صورت گرفته و کمتر به شکل بحث مستقیم و نظری مورد توجه قرار گرفته است.

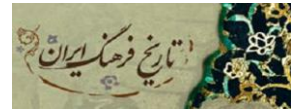
تحلیل نظام‌مند مطالب نشان می‌دهد که نشریه «بیداری ما» با اتخاذ رویکردی انتقادی نسبت به ساختارهای سنتی، پوشش زنان را بیش از آنکه مسئله‌ای صرفاً دینی یا فردی تلقی کند، به مثابه امری اجتماعی و وابسته به سطح آگاهی، شرایط فرهنگی و تحولات سیاسی جامعه بازنمایی کرده است. حجاب در پیوند با مفاهیمی چون عقب‌ماندگی اجتماعی، ضرورت بیداری زنان و نقش آنان در فرآیند تغییرات اجتماعی معنا یافته است.

بر اساس کدگذاری داده‌ها و استخراج مضامین، می‌توان الگوهای معنایی مشخصی را در نحوه بازنمایی پوشش زنان در این نشریه شناسایی کرد. این مضامین، شامل چهار مضمون فراگیر به شرح زیر است که بیانگر جهت‌گیری کلی نشریه در مواجهه با مسئله حجاب و جایگاه آن در گفتمان حزب توده است.

۱- اولین مضمون فراگیر این است: «چادر مانعی برای رشد فردی و اجتماعی است». این مضمون از چهار مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شده است: «چادر مانع ترقی و پیشرفت»، «چادر مانع فعالیت اجتماعی»، «چادر مانع آزادی» و «چادر نماد عقب‌ماندگی». (جدول شماره ۱)

این نشریه، چادر را نه به‌عنوان یک عنصر سنتی یا فرهنگی، بلکه سازوکاری برای بازتولید نابرابری و بازداشتن زنان از مسیر پیشرفت تفسیر می‌کند. نخستین مضمون سازمان‌دهنده با عنوان «چادر مانع ترقی و پیشرفت»، دلالت بر این دارد که از منظر نشریه، این پوشش امکان رشد فکری، علمی و فردی زنان را محدود می‌سازد. در این نشریه، چادر همچون قفسی نمادین معرفی می‌شود که زن را از مسیر آگاهی، علم‌آموزی و مشارکت فعال در حیات اجتماعی دور می‌کند و او را در موقعیتی فرودست نگه می‌دارد.

دومین مضمون سازمان‌دهنده، با عنوان «چادر مانع فعالیت اجتماعی» چادر را سدی در برابر حضور زنان در عرصه عمومی تبیین می‌کند. نشریه با پیوند زدن این پوشش به مفهوم «پرده‌نشینی»، آن را ابزاری برای حذف زنان از اجتماع و بازتولید انزوای خانگی معرفی می‌کند. در این نگاه، چادر نه تنها آزادی حرکت زنان را محدود می‌کند، بلکه آنان را از مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محروم می‌سازد؛ امری که به تداوم ساختارهای مردسالارانه و نقش‌زدایی از زنان در اجتماع می‌انجامد.



مقاله پژوهشی



مضمون سوم، با عنوان «چادر مانع آزادی»، چادر را سازوکاری برای کنترل بدن و رفتار زنان معرفی می‌کند. در این برداشت، چادر صرفاً پوششی ظاهری نیست، بلکه بخشی از نظام سلطه مردانه است که آزادی انتخاب، آزادی بیان و استقلال فردی زنان را محدود می‌کند. نویسندگان نشریه استدلال می‌کنند که چادرزن را در چارچوبی از انقیاد قرار می‌دهد و امکان کنش آزاد و شکل‌گیری فردیت او را از بین می‌برد. از این رو رهایی از این پوشش به‌عنوان شرط لازم برای شکوفایی آزادی و ورود زنان به عرصه برابر اجتماعی فهم می‌شود.

سرانجام، چهارمین مضمون سازمان‌دهنده با عنوان «چادر نماد عقب‌ماندگی»، بر فهمی نمادین از چادر استوار است. در این نشریه، چادر نه تنها نشانه تمسک به گذشته، بلکه نماد رکود فرهنگی و مقاومت در برابر نوسازی اجتماعی تفسیر می‌شود. استعاره‌هایی همچون «کفن» برای توصیف چادر، نشان‌دهنده این است که پوشش کامل زنان به‌منزله نوعی مرگ فرهنگی تعبیر می‌شود؛ مرگی که آنان را از مشارکت مؤثر در تحولات اجتماعی بازمی‌دارد و جامعه را در وضعیتی ایستا نگه می‌دارد.

جدول شماره ۱

مضمون فراگیر اول: چادر مانع رشد فردی و اجتماعی زنان
مضمون سازمان‌دهنده ۱: چادر مانع ترقی و پیشرفت.
چادر مانع ترقی است (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۱۸). چادر ترقی معکوس است (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۱۵). برای ترقیخواهی باید با چادر مبارزه نمود (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۸). چادر واپس‌گرایی است (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۸). چادر مانعی برای کسب دانش و هنر است (بیداری ما، اردیبهشت ۱۳۲۴: ۳۱). چادر مانع کسب دانش است (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۱۵). بی‌حجابی گامی به سوی ترقی است (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۴: ۱۱). حجاب سد راه تکامل زن است (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۴: ۳۳). برای پیشرفت باید چادر را زمین گذاشت (بیداری ما، مهر ۱۳۲۷: ۳).
مضمون سازمان‌دهنده ۲: چادر مانع فعالیت اجتماعی.
چادر جلوی فعالیت زن‌ها را می‌گیرد (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۱۸). چادر مانع فعالیت زن در اجتماع است (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۴: ۳۳). چادر عامل فلاکت زن است (بیداری ما، مهر ۱۳۲۳: ۴). چادر پوشیدن مانند پنهان شدن در جوال، مانع فعالیت است (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۱۷).
مضمون سازمان‌دهنده ۳: چادر مانع آزادی.
چادر قیدوبند است (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۱۵). راه نجات ملت ایران رهنابیدن زن از قید چادر است (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۷). دشمنان آزادی تبلیغ چادر می‌کنند (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۱۸). چادر مانند قفس است (بیداری ما، اردیبهشت ۱۳۲۴: ۳۱). زنان خود را در زندان چادر فرومی‌برند (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۱۵). چادر زندان است (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۶).
مضمون سازمان‌دهنده ۴: چادر نماد عقب‌ماندگی.
چادر باعث سیه‌روزی و پسرفت می‌شود (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۱۷). چادر نماد پوسیدگی و واپس‌گرایی است (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۲۵). چادر نماد کهنگی و قدیمی بودن است (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۲۵). بی‌چادر بودن به‌روز بودن است (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۴: ۳۷). چادر یکی از علائم عقب‌ماندگی است (بیداری ما، دی ۱۳۲۴: ۳۸).

۲- «چادر نماد سرکوب، ناآگاهی، محدودیت‌های اجتماعی و انحراف» دومین مضمون فراگیری است که از داده‌ها بدست آمد. این مضمون شامل چهار مضمون سازمان‌دهنده به این ترتیب است: «چادر نماد ننگ و مرگ»، «چادر وسیله بردگی»، «چادر عامل بی‌خبری و جهل و ناآگاهی»، «چادر عامل انحراف». (جدول شماره ۲)

نخستین مضمون سازمان‌دهنده با برجسته‌سازی چادر به‌عنوان «نماد ننگ و مرگ»، دلالت بر این دارد که از منظر نشریه، این نوع پوشش حامل معناهای منفی و محدودکننده برای زنان است؛ معنایی که زن را در موقعیتی فرودست و سرکوب‌شده قرار می‌دهد.

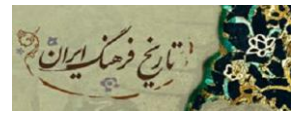
دومین مضمون سازمان‌دهنده با عنوان «چادر به‌مثابه وسیله بردگی»، حجاب را ابزاری برای اعمال قدرت مردانه معرفی می‌کند. در این نشریه، چادر نه صرفاً پوششی مذهبی یا فرهنگی، بلکه میراثی از ساختارهای مردسالارانه دانسته می‌شود که در گذشته برای کنترل زنان و انحصار بدن آنان توسط بزرگان جامعه به کار گرفته می‌شد.

مضمون سازمان‌دهنده سوم، چادر را عامل «بی‌خبری و ناآگاهی» معرفی می‌کند. بر اساس تحلیل نشریه، این نوع پوشش همچون حصار عمل می‌کند که زن را در چارچوبی محدود نگاه‌داشته است و فرصت دسترسی او به آموزش، مشارکت اجتماعی و آگاهی را کاهش می‌دهد. با این حال، نشریه در مثالی گذرا تأکید می‌کند که اصلاح وضعیت زنان تنها با کنار گذاشتن چادر محقق نمی‌شود و تغییر قوانین و ساختارهای اجتماعی نیز ضروری است؛ زیرا زنان روستایی با وجود نداشتن چادر، همچنان در وضعیت ناآگاهی به سر می‌برند.

سرانجام، چهارمین مضمون سازمان‌دهنده با عنوان «چادر عامل انحراف» به این مطلب اشاره دارد که پوشش کامل، با پنهان کردن هویت و چهره زنان، امکان انجام رفتارهای ناهنجار را افزایش می‌دهد. نویسندگان نشریه استدلال می‌کنند که ناشناس ماندن فرد می‌تواند زمینه سوءاستفاده، پنهان‌کاری و تخلفات اخلاقی را فراهم سازد. از این منظر، چادر نه تنها ابزار محدودسازی زنان تلقی می‌شود، بلکه به باور آنان، می‌تواند به عاملی برای شکل‌گیری و گسترش فساد اجتماعی تبدیل شود.

جدول شماره ۲

مضمون فراگیر دوم: چادر نماد سرکوب، ناآگاهی، محدودیت اجتماعی و انحراف
مضمون سازمان‌دهنده ۱: چادر نماد ننگ و مرگ. چادر کفن سیاه است (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۲۶). برای اثبات زنده بودن باید چادر را برداشت (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۱۵). چادر مانند کفن، بر اندام زن پوشیده شده است (بیداری ما، آبان ۱۳۲۳: ۸). چادر سر کردن زنده زنده در کفن شدن است (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۹). با برداشتن چادر که نماد مرگ است جزو زندگان به حساب می‌آید (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۹). چادر نماد ننگ است (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۴: ۴). فرد چادری مانند مرده متحرک است (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۴: ۱۵). خواهش از شهربانی برای چادر سر کردن فاحشه‌ها در شهرها (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۱۵).
مضمون سازمان‌دهنده ۲: چادروسیله بردگی. چادر چون کفن مردگان است و نماد بردگی زن است (بیداری ما، آبان ۱۳۲۳: ۱۸). چادر لباس کنیزی و بردگی است (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۴). چادر وسیله بوالهوسی بزرگان قدیم ایران است (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۴). حجاب وسیله بردگی زنان ایرانی است (بیداری ما، خرداد ۱۳۲۷: ۱۲).
مضمون سازمان‌دهنده ۳: چادر عامل بی‌خبری و جهل و ناآگاهی. چادر فرورفتن در تاریکی است (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). حجاب عامل ناآگاهی است (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۷). کشف حجاب مانند برداشتن عامل جهل است (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۱۵). چادر تاریکی و جهل است (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۸). چادر مانع دانش و آگاهی است (بیداری ما، ۱۰ فروردین ۱۳۲۴: ۱۲). چادر عامل بی‌خبری و جهل است (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۲۶). چادر نماد جهل و غفلت است (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۹).
مضمون سازمان‌دهنده ۴: چادر عامل انحراف.



حجاب باعث پنهان شدن فساد می شود (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۴). چادر مانع لغزش نیست (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۲۶). چون چادر باعث شناخته نشدن شخص می شود راحت می توانند فساد کنند (بیداری ما، دی ۱۳۲۴: ۴۵). چادر ملاک پاکدامنی نیست (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۲۶). عفت به پوشش نیست و مهم پاکی جان است (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۴: ۸). چادر نشان عصمت نیست عصمت به داشتن دانش است (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۴: ۳۳).

۳- سومین مضمون فراگیر مربوط به «ریشه های حجاب» است. این مضمون از سه مضمون سازمان دهنده زیر تشکیل شده است: «حجاب ریشه مذهبی ندارد»، «حجاب نماد خرافات و تحمیل باورهای غیر منطقی به زنان»، «حجاب نشأت گرفته از دوران باستان و نشان اشرافیت و عظمت». (جدول شماره ۳)

مضمون سازمان دهنده اول بیانگر آن است که حجاب در این دیدگاه، امری غیرمذهبی تلقی می شود و در اسلام به عنوان حکم یا واجب دینی مطرح نبوده است. به باور نویسندگان نشریه، حتی در سیره پیامبر اسلام (ص) نیز فرمانی صریح درباره حجاب صادر نشده است و آنچه بعدها به عنوان حجاب دینی مطرح شده است، ریشه در رسوم و عادات قومی دارد که در گذر زمان از سوی متولیان مذهبی به قلمرو دین وارد شده است. این مضمون می کوشد با خارج کردن حجاب از حوزه احکام و واجبات شرعی، آن را به مثابه پدیده ای عرفی و برساخته اجتماعی بازتعریف کند؛ رویکردی که باهدف تضعیف جایگاه الزامات مذهبی حجاب در گفتمان دینی دنبال می شود.

مضمون سازمان دهنده دوم حجاب را به مثابه نمادی از خرافات و تحمیل باورهای غیرمنطقی به زنان بازنمایی می کند؛ پدیده ای که از منظر نویسندگان نشریه، مقابله با آن ضرورتی اجتماعی تلقی می شود. در این چارچوب، ترویج چادر نه به عنوان کنشی دینی، بلکه به منزله اشاعه خرافاتی معرفی می شود که به زعم آنان از سوی روحانیت و تحت عنوان دین، بازتولید و تثبیت شده است. این مضمون باهدف بی اعتبارسازی حجاب، می کوشد آن را از جایگاه یک باور مشروع خارج کند و در زمره باورهای خرافی و فاقد پشتوانه عقلانی قرار دهد.

مضمون سازمان دهنده سوم به خاستگاه تاریخی حجاب می پردازد و آن را پدیده ای برخاسته از دوران باستان معرفی می کند. بر اساس این دیدگاه، پوشش محجوب نه تنها مختص زنان نبود، بلکه سلاطین و بزرگان نیز، گاه برای حفظ ابهت و نمایش عظمت اجتماعی خود به آن متوسل می شدند. در این دیدگاه، حجاب به عنوان نمادی از اشرافیت و تمایز اجتماعی بازنمایی می شود که عمدتاً در میان طبقات مرفه رواج داشت و زنان طبقات فرودست از آن تبعیت نمی کردند. این مضمون می کوشد با پیوند دادن ریشه های حجاب به ساختارهای طبقاتی در جوامع باستانی، آن را نه یک الزام دینی یا فرهنگی عام، بلکه نمادی از تبعیض و نابرابری طبقاتی معرفی کند.

جدول شماره ۳

مضمون فراگیر سوم: ریشه های حجاب
مضمون سازمان دهنده ۱: حجاب ریشه مذهبی ندارد.
حجاب از عادات و رسوم قومی است (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۴). حجاب از واجبات دین نیست (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۴-۲۵). حجاب فرموده پیامبر (ص) نیست (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۵). پیامبر (ص) زنان دانشمند را پس از نطق تشویق می کردند (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۵). حضرت زهرا (س) از جابر رو نمی گرفتند پس حجاب از واجبات نیست (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۵). چادر از نوامیس مذهبی نیست (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۴). حجاب از حقایق مذهبی نیست (بیداری ما، تیر ۱۳۲۷: ۵). در اسلام حجاب وجود نداشت

بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۶). چادر از احکام دین نیست و آخوندها آن را باب کردند (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۵).
مضمون سازمان‌دهنده ۲: حجاب نماد خرافات و تحمیل باورهای غیرمنطقی به زنان .
چادر از خرافاتی است که مورد پسند ملاهاست (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۶). حجاب باعث پرورش خرافات می‌شود (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۱۵). ترویج چادر ترویج خرافات است (بیداری ما، اردیبهشت ۱۳۲۴: ۲۸). چادر عامل خرافاتی شدن است (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۷). آخوندها به نام دین خرافات چادر را رواج دادند (بیداری ما، مهر ۱۳۲۴: ۱۳). مزدوران و روحانی نماها می‌خواهند زن را در ظلمت خرافات و چادر فرو برند (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۷: ۸).
مضمون سازمان‌دهنده ۳: حجاب نشأت گرفته از دوران باستان و نشان اشرافیت و عظمت .
سلطین ایران و فراعنه مصر برای حفظ عظمت خود را در پرده نهران می‌کردند (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۴). حجاب نماد اشرافیت و عظمت زنان اشراف بود (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۴). ملکه‌های چین و ژاپن هم در پس پرده بودند (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۴). حجاب از عادات قدیم ایران باستان است (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۴). اعراب حجاب را از ایران باستان گرفتند و نماد ثروت و بزرگی بود (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۶). حجاب قبل از اسلام در ایران بود (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۵). حجاب شیوه ثروتمندان برای نهران داشتن زنان بود (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۵).

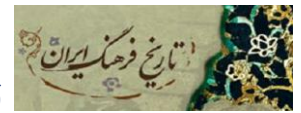
۴- «حذف حجاب رایج» آخرین مضمون فراگیری است که از بررسی داده‌ها بدست آمد و شامل چهار مضمون سازمان‌دهنده است که عبارتند از: «عدم پذیرش شکل رایج حجاب در آن دوره»، «ضرورت کشف حجاب»، «شیوه‌های کشف حجاب»، «انتقاد از کشف حجاب رضاشاه». (جدول شماره ۴)

در مضمون سازمان‌دهنده اول، حجاب متعارف — به‌ویژه چادر و روگیری — نه امری دینی و جهان‌شمول، بلکه پدیده‌های تاریخی، عرفی و وابسته به شرایط خاص اجتماعی ایران معرفی می‌شود. ارجاع به صدر اسلام، وضعیت زنان مسلمان در سایر جوامع اسلامی و تجربه زیسته زنان روستایی، دهقان و ایلپاتی، همگی در خدمت تضعیف مشروعیت دینی و اجتماعی حجاب رایج قرار می‌گیرند.

بر اساس این گفتمان، نشریه می‌کوشد پیوند سنتی میان حجاب، عفت و نظم اجتماعی را قطع کند و نشان دهد که نبود حجاب متعارف نه تنها به فروپاشی اخلاقی منجر نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد با زیستی آزادتر و درعین حال، اخلاقی همراه است. در نتیجه، حجاب به شکل کنونی به‌عنوان امری تحمیلی، غیرضروری و مانعی در مسیر «ترقی» و «آگاهی» زنان بازنمایی می‌شود.

مضمون سازمان‌دهنده دوم کشف حجاب را به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و تاریخی در مسیر رهایی و پیشرفت زنان صورت‌بندی می‌کند. در این گفتمان، اصل کشف حجاب اقدامی صحیح تلقی می‌شود، هرچند شیوه اجرای آن مورد انتقاد قرار می‌گیرد. حجاب، به‌ویژه چادر، به‌عنوان مانعی در برابر حضور اجتماعی زنان و نمادی از جهل، عقب‌ماندگی و ناآگاهی تاریخی معرفی می‌شود و کنارگذاشتن آن شرط آغاز مشارکت اجتماعی و دستیابی به حقوق زنان دانسته می‌شود.

نشریه با پیوند دادن کشف حجاب به مفاهیمی چون آگاهی، مبارزه با بی‌سوادی و بیداری زنان، آن را از سطح یک انتخاب فردی فراتر برده و به وظیفه‌ای اجتماعی برای «زن فهیم و ترقی‌خواه» تبدیل می‌کند. در مجموع، مضمون «ضرورت



کشف حجاب» بیانگر رویکردی ایدئولوژیک است که با وجود نقد «اجبار دولتی»، کشف حجاب را به عنوان الزام تاریخی و اجتماعی بازنمایی می‌کند و بدین ترتیب، به بازتولید نوعی هنجارسازی جدید در حوزه پوشش زنان می‌پردازد.

مضمون سازمان‌دهنده سوم بر ضرورت «نهادینه‌سازی فرهنگی حذف حجاب» تأکید دارد و حجاب را مسئله‌ای می‌داند که باید از مسیر فرهنگ، آگاهی و بسیج اجتماعی حل‌وفصل شود. در این گفتمان، برداشتن حجاب در میان طبقات جوان، روشنفکر، دهقان و ایل‌نشین به عنوان واقعیتهای اجتماعی و روندی طبیعی بازنمایی می‌شود؛ نویسندگان نشریه بر این عقیده‌اند که حذف حجاب، پیشاپیش در لایه‌هایی از جامعه تحقق‌یافته و نیازمند تثبیت فرهنگی است، نه تحمیل سیاسی.

نشریه با نقد صریح سیاست کشف حجاب دوره رضاشاه، ناکامی آن را نه در اصل اقدام، بلکه در شیوه قهرآمیز، تحقیرآمیز و فاقد پشتوانه فرهنگی آن می‌داند. از منظر نشریه، اجبار دولتی، پاره‌کردن روسری و تحمیل نمادین، نه تنها به آگاهی زنان منجر نشد، بلکه به بازگشت دوباره آنان به چادر انجامید. نشریه بر نقش وزارت فرهنگ، مطبوعات، تشکیلات زنان و نیروهای روشنفکر در تبلیغ مستمر، آموزش و روشننگری تأکید می‌کند و حذف حجاب را فرایندی تدریجی و آگاهی‌محور می‌داند.

مضمون سازمان‌دهنده چهارم کشف حجاب دوره رضاشاه را نه به عنوان اقدامی رهایی‌بخش، بلکه به مثابه سیاستی شتاب‌زده، قهرآمیز و مخرب ارزیابی می‌کند که پیامدهای اجتماعی و سیاسی منفی به همراه داشته است. در این گفتمان، اجبار دولتی در برداشتن چادر نه تنها به پذیرش اجتماعی کشف حجاب منجر نشد، بلکه با ایجاد «خصوصیت باطنی» میان موافقان و مخالفان، شکاف اجتماعی عمیقی پدید آورد و زمینه شکل‌گیری حس انتقام و واکنش‌های خصمانه علیه زنان بی‌حجاب را فراهم کرد. از این منظر، کشف حجاب اجباری به عاملی بازدارنده در مسیر تغییرات فرهنگی بدل شد و امکان گفت‌وگوی عقلانی درباره حجاب را از میان برد.

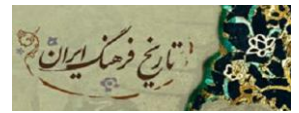
نشریه همچنین تأکید می‌کند که سیاست رضاشاه با تحقیر علنی زنان - به‌ویژه زنان سالخورده و مذهبی - نه تنها خدمتی به نهضت زنان نکرد، بلکه روند شکل‌گیری مطالبات واقعی آنان برای آزادی‌های سیاسی و اقتصادی را متوقف ساخت. به نظر نویسندگان نشریه اکثریت زنان ایران اساساً نیازی به کشف حجاب نداشتند، زیرا زنان دهقان، ایل‌نشین و بخش بزرگی از زنان فعال اجتماعی پیشاپیش فاقد حجاب رایج بودند و حجاب عمدتاً به زنان خانه‌دار شهری محدود می‌شد. افزون بر این، نشریه با خوانشی انتقادی، کشف حجاب رضاشاهی را نه حاصل دغدغه ترقی زنان، بلکه تابع منطق «جبر تاریخی» سرمایه‌داری دولتی و نیاز به نیروی کار ارزان زنان و کودکان تفسیر می‌کند. این مضمون نشان می‌دهد که حزب توده، ضمن پذیرش اصل ضرورت تحول در پوشش زنان، کشف حجاب رضاشاه را اقدامی اقتدارگرایانه، طبقاتی و ضدفرهنگی می‌داند که عملاً به تقویت ارتجاع و تضعیف جنبش آگاهانه زنان منجر شد.

جدول شماره ۴

مضمون فراگیر چهارم: حذف حجاب رایج
مضمون سازمان‌دهنده ۱: عدم پذیرش شکل رایج حجاب در آن دوره

روگیری در صدر اسلام مرسوم نبوده است (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۵). اغلب مسلمانان دنیا حجاب به معنی چیزی که ما معتقدیم قبول ندارند (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۵). حجاب به شکل کنونی مورد قبول مسلمانان جهان نیست (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۵). باز بودن رو و دستهای زن جائز است روگیری از اسلام نیست (بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳: ۵). زنان دهقان و ایل نشین اساساً حجاب نداشتند (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲).
مضمون سازمان‌دهنده ۲: ضرورت کشف حجاب.
کشف حجاب یک عمل صحیح و لازم بود (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). کشف حجاب به زنان فرصت داد که فعالیت اجتماعی خود را شروع کنند (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). پوشیدن چادر فکر اشتباهی است و با ترقی خواهی سختی ندارد (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). کشف حجاب یک عمل لازم بود ولی با شیوه غلط انجام شد (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). چادر باعث می شود که مورد تمسخر دنیای مدرن قرار گیریم (بیداری ما، دی ۱۳۲۴: ۳۹). چادر برای سلامتی مضر است (بیداری ما، خرداد ۱۳۲۷: ۳۶). کمترین حقوق زن کشف حجاب است (بیداری ما، آذر ۱۳۲۳: ۲۵).
مضمون سازمان‌دهنده ۳: شیوه‌های کشف حجاب.
کشف حجاب نیاز به مرور زمان داشت (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). تشویق به برداشتن چادر (بیداری ما، خرداد ۱۳۲۷: ۳). وزارت فرهنگ موظف به منع چادر است (بیداری ما، آذر ۱۳۲۴: ۳۰). مطبوعات آزادیخواه باید زنان را با مضرات حجاب آشنا کنند (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۴: ۱۱). برداشتن چادر از روی فهم و روش صحیح باید انجام می‌شد (بیداری ما، تیر ۱۳۲۷: ۷). برای برداشتن چادر باید فکرو روح زن را نیز از تاریکی نجات می‌دادند (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴: ۱۵). مبارزه با حجاب از روی عقل و از راه صحیح باید انجام می‌شد (بیداری ما، تیر ۱۳۲۷: ۷). صحیح‌ترین راه آگاه کردن ملت ایران از راه فرهنگ، کنفرانس، نطق و متینگ بود (بیداری ما، تیر ۱۳۲۷: ۷). مبارزین آزادیخواهی باید یک مبارزه جدی بر علیه چادر و چادر طلبان شروع کنند (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: ۲۷). کشف حجاب به مرور در جامعه اتفاق می‌افتاد و نیازی به اعمال زور نبود (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). اعمال زور در مورد عملی که جزو عادت و ایمان شده بود اشتباه بود (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲).
مضمون سازمان‌دهنده ۴: انتقاد از کشف حجاب رضا شاه.
کشف حجاب سبب ایجاد خصومت باطنی بین موافقین و مخالفین شد (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). کشف حجاب باعث ایجاد خصومت بین موافقین و مخالفین حجاب شد و زمینه برخورد تند با افراد بی حجاب در جامعه را فراهم کرد (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). کشف حجاب باعث ایجاد حس انتقام در قلب موافقین حجاب شد که این امر سد بزرگی برای کشف حجاب شد (بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳: ۲). رضاشاه با کشف حجاب مرتکب بزرگ‌ترین خیانت شد زیرا با این عمل باعث متوقف شدن نهضت زنان برای آزادی واقعی سیاسی و اقتصادی شد (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۵: ۱۰). اکثریت زنان ایران حجاب نداشتند و نیازی به کشف حجاب نبود (بیداری ما، دی ۱۳۲۴: ۳۸). با کشف حجاب کارگر ارزان قیمت برای کارخانجات اختصاصی رضا شاه فراهم شد (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۵: ۱۰). ترقی صنعتی موجب کشف حجاب می‌شد و نیازی به این عمل نبود (بیداری ما، فروردین ۱۳۲۵: ۱۰).

بررسی محتوای نشریه «بیداری ما» نشان می‌دهد که مواضع حزب توده در موضوع حجاب، یکی از رادیکال‌ترین دیدگاه‌ها در فضای سیاسی - اجتماعی ایران دهه ۱۳۲۰ بود. این مضامین آشکارا نشان‌دهنده فاصله دیدگاه حزب توده با بستر فرهنگی و اجتماعی ایران آن روز است. جامعه ایران در دهه ۱۳۲۰ عمیقاً دینی و سنتی بود. در چنین شرایطی، رویکرد رادیکال حزب توده نسبت به حجاب، با واقعیت‌های فرهنگی و نیازهای اجتماعی زنان ایران هم‌خوانی نداشت. حتی حکومت پهلوی دوم، با وجود سیاست‌های مدرن‌سازی، برای جلوگیری از تنش با افکار عمومی، در ظاهر سعی در حفظ شعائر دینی و احترام به حساسیت‌های مذهبی جامعه داشت؛ حال آنکه حزب توده، بی‌پروا، صریح‌ترین مواضع ضدحجاب را اتخاذ کرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حزب توده در موضوع حجاب بیش از هر جریان سیاسی دیگر از گفتمان بومی جامعه ایران فاصله گرفت و در چارچوب ایدئولوژی چپ جهانی، برداشتی رادیکال، برون‌زا و ناسازگار با واقعیت‌های ایران ارائه داد.



پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون و بر مبنای بررسی نشریه «بیداری ما» به عنوان منبع مطبوعاتی حزب توده ایران، تلاش کرده است تا گفتمان و مواضع این حزب نسبت به مسئله پوشش زنان (حجاب) را در بازه زمانی دهه ۱۳۲۰ به صورت علمی و مستند تحلیل نماید. یافته‌های به دست آمده به وضوح نشان می‌دهد که حزب توده، به مثابه یک جریان مارکسیستی و چپ‌گرا، حجاب را نه صرفاً به عنوان یک موضوع فرهنگی یا دینی، بلکه به عنوان نمادی از ساختارهای سرکوبگر اجتماعی و محدودکننده رشد فردی و اجتماعی زنان تحلیل می‌کرد. بر اساس مضامین استخراج شده، حجاب از دید این حزب نمایانگر ناآگاهی، انحراف و ابزار کنترل اجتماعی بود که مانع تحقق حقوق و آزادی‌های زنان و موانع جدی بر سر راه توسعه اجتماعی و سیاسی زنان به شمار می‌رفت.

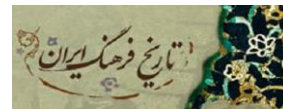
علاوه بر این، حزب توده، حجاب را پدیده‌ای با ریشه‌های تاریخی و سنتی می‌دانست که دیگر تناسبی با نیازها و شرایط جوامع مدرن ندارد. در نتیجه کشف حجاب را به عنوان ضرورتی انکارناپذیر و حق بنیادی زنان جهت تحقق برابری جنسیتی و حضور فعال در جامعه، مورد تأکید قرار می‌داد. با این حال، این حزب ضمن دفاع از اصل کشف حجاب، نقدی جدی نسبت به شیوه‌های تحمیلی و سرکوبگرانه اجرای آن، به ویژه سیاست‌های رضاخان، داشت و معتقد بود که تغییرات فرهنگی نه از طریق اعمال زور و فشارهای دولتی، بلکه باید بر پایه آگاهی، اراده و مشارکت واقعی مردم به ویژه زنان صورت گیرد، این رویکرد حزب توده، حاکی از نگاه پیچیده و چندلایه به مسئله حجاب است که آن را فراتر از یک موضوع صرفاً فرهنگی یا دینی می‌بیند و در چارچوبی گسترده‌تر از مبارزات طبقاتی، حقوق زنان و نقد مناسبات قدرت تحلیل می‌کند. در این چارچوب، حجاب نمادی است از روابط قدرت و سرکوب اجتماعی که تنها با تغییرات ساختاری در مناسبات اجتماعی و سیاسی امکان رفع آن فراهم می‌شود.

در نهایت، این پژوهش نه تنها به درک عمیق‌تر و مستندتری از مواضع حزب توده نسبت به حجاب و پوشش زنان دست یافته است، بلکه زمینه‌ای فراهم آورده است تا رابطه پیچیده میان سیاست، فرهنگ، جنسیت و مبارزات اجتماعی در ایران معاصر بهتر تحلیل شود. این یافته‌ها می‌تواند نقطه عزیمتی برای مطالعات آینده در حوزه تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران، به ویژه بررسی تعاملات میان ایدئولوژی‌های سیاسی و مسائل جنسیتی باشد و به تعمیق فهم نقش احزاب چپ در شکل‌دهی به بحث‌های مربوط به زنان کمک شایانی نماید.

تضاد منافع

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

- ۱- آدمیت، فریدون، ۱۳۴۶، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران: طهوری، چاپ اول.
- ۲- آدمیت، فریدون، ۱۳۴۹، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: بی نا.
- ۳- آوانسیان، اردشیر، ۱۳۷۹، خاطرات اردشیر آوانسیان. تهران: نشر گره.
- ۴- احمدی خراسانی، نوشین؛ پروین اردلان، ۱۳۸۲، سناتور: فعالیت های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران، تهران: انتشارات توسعه.
- ۵- استاد ملک، فاطمه، ۱۳۶۷، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی.
- ۶- انگلس، فردریک، بی تا، منشأ خانواده و مالکیت خصوصی، ترجمه مسعود احمدزاده (نشر الکترونیکی)،
<https://ketabesabz.com/dl/18337>
- ۷- ببران، صدیقه، ۱۳۸۱، نشریات ویژه زنان: سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۸- بزین بیرانوند، فاطمه، ۱۳۸۹، زنان و جنبش چپ در ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، پایان نامه کارشناسی ارشد، زیر نظر دکتر روح اله بهرامی، دانشگاه لرستان.
- ۹- بصیرت منش، حمید، ۱۳۷۶، علما و رژیم رضا شاه: نظری بر عملکرد سیاسی- فرهنگی روحانیون در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۲۰ش، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۰- بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳.
- ۱۱- بیداری ما، آبان ۱۳۲۳.
- ۱۲- بیداری ما، آذر ۱۳۲۳.
- ۱۳- بیداری ما، بهمن ۱۳۲۳.
- ۱۴- بیداری ما، اسفند ۱۳۲۳.
- ۱۵- بیداری ما، فروردین ۱۳۲۴.
- ۱۶- بیداری ما، اردیبهشت ۱۳۲۴.
- ۱۷- بیداری ما، تیر ۱۳۲۴.
- ۱۸- بیداری ما، مرداد ۱۳۲۴.
- ۱۹- بیداری ما، شهریور ۱۳۲۴.



- ۲۰- بیداری ما، مهر ۱۳۲۴.
- ۲۱- بیداری ما، آذر ۱۳۲۴.
- ۲۲- بیداری ما، دی ۱۳۲۴.
- ۲۳- بیداری ما، فروردین ۱۳۲۵.
- ۲۴- بیداری ما، فروردین ۱۳۲۷.
- ۲۵- بیداری ما، خرداد ۱۳۲۷.
- ۲۶- بیداری ما، تیر ۱۳۲۷.
- ۲۷- بیداری ما، مهر ۱۳۲۷.
- ۲۸- جعفریان، رسول، ۱۳۸۳، داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۹- جوادی یگانه، محمدرضا؛ فاطمه عزیزی، فاطمه، فروردین ۱۳۸۸، «زمینه‌های فرهنگی و ادبی کشف حجاب در ایران؛ شعر مخالفان و موافقان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰ ش ۱، صص ۱۰۰-۱۳۷.
- ۳۰- رضانی، رضا، ۱۳۸۶، «حجاب در ایران: بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی دوم تا پایان جنگ تحمیلی»، فصلنامه بانوان شیعه، سال چهارم، ش ۱۱، صص ۲۵۱-۲۸۶.
- ۳۱- زتکین، کلارا و دیگران، ۱۳۸۱، زنان در جامعه، ترجمه اصغر مهدی‌زادگان، تهران: نگاه.
- ۳۲- ساناساریان، الیز، ۱۳۸۴، جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران.
- ۳۳- سیف، زهره، ۱۳۹۵، تحلیل مسأله حجاب از سال ۱۳۰۴-۱۳۶۰ شمسی (دوره پهلوی تا تثبیت جمهوری اسلامی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زیر نظر دکتر علی محمد حاضری، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- ۳۴- شکیب، فاطمه؛ حسن زندیه، ۱۴۰۰، «سیر تحول اندیشه معترضان به حجاب از عصر ناصری تا پهلوی دوم (۱۳۲۷-۱۳۲۰ش)»، فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، صص ۲۹-۴۸.
- ۳۵- شیخ‌زاده، محمد؛ عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، ش ۲، صص ۱۹۸-۱۵۱.

مقاله پژوهشی

۳۶- صلاح، مهدی، ۱۳۸۴، کشف حجاب (زمینه‌ها، واکنش‌ها و پیامدها)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۳۷- قاسمی، بهزاد . (۱۴۰۴). خوانشی از نوسازی فرهنگی ایران و افغانستان در دوره رضاشاه و امان الله خان. تاریخ فرهنگ ایران، ۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۰. doi: 10.22034/ihc.2025.19485

۳۸- کرونین، استفانی، ۱۳۸۲، شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در زمان رضاشاه، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.

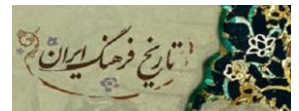
۳۹- محمدی، غزاله، ۱۳۹۹، تحلیل محتوای ادبی نشریات وابسته به حزب توده (مهر ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۲۷)، پایان نامه کارشناسی ارشد، زیر نظر دکتر محمد رضا حاجی آقا بابایی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

40-Paidar, parvin, 1995, Women and political process in twentieth- century iran. Cambridg university press.

41-Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and cod development, Sage.

References

1. Adamiyat, F. (1967). Thought of Mirza Aqa Khan Kermani. Tehran: Tahouri Press. [In Persian]
2. Adamiyat, F. (1970). Thought of Mirza Fath Ali Akhundzadeh. Tehran: Bi Na. [In Persian]
3. Avanesian, A. (2000). Memoirs of Ardeshir Avanesian. Tehran: Nashr-e Gereh. [In Persian]
4. Ahmadi Khorasani, N., & Parvin Ardalan. (2003). Senator: mehranguiz manoutchehrian's efforts based on Women's Rights Activism in Iran. Tehran: Tose'e Publications. [In Persian]
5. Ostadh Malek, F. (1988). Hejab va Koshf-e Hejab dar Iran [Veiling and Unveiling in Iran]. Tehran: Ataei Press Institute. [In Persian]
6. Engels, F. (n.d.). The Origin of the Family, Private Property and the State. Translated by Masoud Ahmadzadeh. [Electronic Publication]
7. Bebran, S. (2002). Special Women's Publications: Historical Development of Women's Periodicals in Contemporary Iran. Tehran: Roshangaran & women studies publishing. [In Persian]
8. Bezan Birānvand, F. (2011). Women and the Leftish Movement in Iran from the Constitutional Revolution to 28th of Mordad Coup Detat in 1332. Master's Thesis, University of Lorestan. [In Persian with English abstract]
9. Basiratmanesh, H. (1997). Ulema Actions 1926-41. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
10. Bidari Ma (August 1944). . [In Persian]
11. Bidari Ma. (November 1944). [In Persian]



مقاله پژوهشی



12. Bidari Ma (December 1944). [In Persian]
13. Bidari Ma (February 1945). [In Persian]
14. Bidari Ma . (March 1945). [In Persian]
15. Bidari Ma . (April 1945). [In Persian]
16. Bidari Ma . (May 1945). [In Persian]
17. Bidari Ma . (July 1945). [In Persian]
18. Bidari Ma . (August 1945). [In Persian]
19. Bidari Ma . (September 1945). [In Persian]
20. Bidari Ma. (October 1945). [In Persian]
21. Bidari Ma. (December 1945). [In Persian]
22. Bidari Ma. (January 1946). [In Persian]
23. Bidari Ma. (April 1946). [In Persian]
24. Bidari Ma . (April 1948). [In Persian]
25. Bidari Ma. (June 1948). [In Persian]
26. Bidari Ma. (July 1948). [In Persian]
27. Bidari Ma. . (October 1948). [In Persian]
28. Jafarian, R. (2004). The Story of Hijab in Iran Before the Revolution. Tehran: the Center for Islamic Revolution Documents. [In Persian]
29. Javadi Yeganeh, M. R., & Azizi, F. (2009). "The Cultural And Literary Backgrounds for The unveiling of women in iran(1935); The Poetry of opponents and Advocates" Iranian Journal of Sociology, 10(1), 100–137. [In Persian]
30. Ramazani, R. (2007). "Hijab in Iran: An Examination of the Status of Hijab in Iran from the Final Years of the Second Pahlavi Regime to the End of the Imposed War." Journal of Shiite women, 4(11), 251–286. [In Persian]
31. Zetkin, C., et al. (2002). Women in Society. Translated by Asghar Mahdizadegan. Tehran: Negah. [In Persian]
32. Sanasarian, E. (2005). The Women's Rights Movement in Iran: Rebellion, Decline, and Repression from 1901 to the 1979 Revolution. Translated by Noushin Ahmadi Khorasani. Tehran: Nashr-e Akhtaran. [In Persian]
33. Seif, Z. (2016). analysis of Hijab question from 1925 to 1981. Master's Thesis, Imam Khomeini Research Center, Tehran. [In Persian with English abstract]
34. Shakibrokh, F., & Zandieh, H. (2021). "The evolution of thoughts of protesters to hijab from the Naserid era to the second Pahlavi perriod(1227–1320)." Islamic History Research Quarterly, 11(44), 29–48. [In Persian with English abstract]

35. Sheikhzadeh, M., Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., & Faghihi, A. (2011). "Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities." *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. [In Persian]
36. Salah, M. (2005). *The discovery of hijab: Contexts, Reactions, and Consequences*. Tehran: Political Studies and Research Institute. [In Persian]
37. Ghasemi, B. (2025). "A reading of the cultural modernization of Iran and Afghanistan during the reigns of Reza Shah and Aaullah Khan." *Iranian History of Culture(IHC)*, 2(1), 105-120. [In Persian with English abstract]
38. Cronin, S. (2003). *The Making of Modern Iran: State and Society under Reza Shah 1921-1941*. Translated by Morteza Thaghebfar. Tehran: Jami. [In Persian]
39. Mohammadi, G. (2020). *Literary Content Analysis of Publications Affiliated with the Tudeh Party of Iran (October 1941 to February 1949)*. Master's Thesis, Allameh Tabataba'i University, Tehran. [In Persian with English abstract]
40. Paidar, P. (1995). *Women and the Political Process in Twentieth-Century Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
41. Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. Thousand Oaks, CA: Sage